

# الی تیس، شاعر یونانی

و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل در ادبیات

اودیستوس الی تیس، Odysseas Elytis شاعر یونانی و برنده‌ی جایزه نوبل در ادبیات سال ۱۹۷۹ در اواخر فروردین ماه ۱۳۷۵ در سن ۸۵ سالگی درگذشت.

الی تیس، بعد از هالدور لاکسنس ایسلندی که اکنون ۹۴ سال دارد و چشلاومیلوش لهستانی و نجیب محفوظ مصری که هر دو ۸۵ ساله‌اند، مسن‌ترین برنده‌ی جایزه نوبل در ادبیات بود. الی تیس از جهاتی در میان شاعران جهان موقعیتی یگانه داشت. نه پیشکسوت در جنبشی ادبی بود و نه آموزگار شاعران جوان و در مسیر شاعران خیالپرداز منفردی راه می‌پیمود که گاهی به سافو آن شاعره‌ی یونانی قرن ششم پیش از میلاد می‌پیوست.

در زندگی الی تیس دو لحظه بینش متعالی در دو واقعه‌ی جداگانه سخت سرنوشت‌ساز بوده است. لحظه‌ی اول شبی در سال ۱۹۲۹ رخ داد که او هیجده ساله بود و برحسب اتفاق کتابی از مجموعه‌ی اشعار پُل الوار به دستش رسید و الهام بخش نخستین تجربه‌های شاعرانه‌اش شد، تا آنجا که پنج شش سال بعد موقعی که دانشجوی رشته‌ی حقوق دانشگاه آتن بود، سخت شیفته‌ی سوررئالیسم شد و درس و مشق را رها کرد و به جرگه شاعران نوگرای یونان از جمله جرج سفریس و نیکوس گتسوس پیوست. با انتشار کتاب «آشنایی‌ها» در سال ۱۹۳۹ و «آفتاب نخستین» در ۱۹۴۳ در شمار یکی از بزرگ‌ترین صداهای عاشقانه شعر امروز یونان درآمد. در این ایام او همچنان شیفته‌ی سوررئالیسم بود.

آن چه الی تیس جوان را به سوررئالیسم کشاند، طرد انقلابی شعر سنتی یا کاربرد تکنیکی

جریان سیال ذهن نبود، بلکه ایمان به کشف و شهود شورانگیز تخیلات ناآگاهانه‌ای بود که همچون دنیای عینی پیرامون ما، واقعیت داشت. سوررئالیسم وسیله‌ای شد که با آن می‌توانستی به منابع اصلی، به شعرهایی که رؤیا، خواب و خیال و ایماژِ تداعی‌کننده را می‌پذیرفت بازگردی. منتقدی پس از انتشار دو کتاب اول الی تیس گفت که او در کار شعر و شاعری به مقامی بس والا، به مقام پیشروترین شاعر نسل و زمانه خویش دست یافته است.

دومین لحظه‌ی بینش و تجلی، پس از حمله‌ی موسولینی به یونان در اکتبر ۱۹۴۰ و سقوط شهر هراکلیون، زادگاهش در کورت ظاهر شد و یونان متجاوز از سه سال به اشغال نیروهای فاشیست درآمد. الی تیس در آن زمان ستوان لشکر یکم ارتش بود و در جبهه‌ی آلبانی با نیروهای فاشیست مبارزه می‌کرد. اما هم‌زمان به فعالیت‌های ادبی نیز می‌پرداخت. در مصاحبه‌ای با «ایوار ایواسک» سردبیر فصلنامه‌ی «بوکز ابرود»، گفته است «ناگزیز شدم به سمت آن نقطه‌ی حساسی پیش بروم که در آن، زندگی و مرگ، روشنایی و تاریکی دیگر دو چیز متضاد نبودند... ترس، ترس واقعی از جنگ، ترس مادی از بمب و خمپاره، همه‌ی بُدها و جنبه‌های ادبیات تصنعی را در من منهدم کرد و معنی واقعی نیاز به شعر را عریان باقی گذاشت. ترس نیز به نوبه‌ی خود در من، در مقام یک انسان، از راه رستگاری حاصل از شعر زایل شد، شعری ساخته شده از عریانی و واقعیت.»

در سال ۱۹۴۳ الی تیس شعر «سرود قهرمانانه و سوگوارانه برای ستوان دوم از دست رفته‌ی نیروهای آلبانی» را سرود که سمفونی شورانگیزی به زبان شعری عادی سستی و نیز استوار بر عناصر جدید سوررئالیستی بود و شاعر در آن صدایی یافته بود که می‌توانست با آن، با همه مردم و وطنش سخن گوید. تعزل او برگرفته از نور شفاف و آب‌گونه‌ی آفتاب سواحل دریای اژه نبود بلکه این بود که چگونه «درد با دست‌های استخوانی سرفرود می‌آورد.»

الی تیس در اواخر دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰ مجموعه‌هایی از شعرهای گارسیا لورکا، برشت، الوار و اونگارتی را به زبان یونانی ترجمه کرد و مقاله‌ها و نقدهای زیادی به ویژه در باره‌ی هنر سوررئالیستی ماتیس، پیکاسو، جیاکومتی و دیگران نوشت. چهار سالی هم مقیم پاریس شد و در سوربن به تحصیل ادبیات پرداخت و با آندره برتون، هانری میشو، پل الوار، اونگارتی و نیز با بسیاری از نقاشان آشنایی نزدیک پیدا کرد و وقتی در سال ۱۹۵۳ به یونان برگشت، به صورت شخصیت فرهنگی و ادبی ممتازی از او تجلیل کردند.

در سال ۱۹۵۹ مجموعه شعر «این شایسته شماست» را منتشر کرد که جایزه‌های زیادی از جمله جایزه‌ی ملی شعر و جایزه‌ی ملی کتاب را نصیب او ساخت.

در این کتاب، کار اسطوره‌سازی را به حد کمال رساند و اتکاء ملی و فلسفی را بنا حساسیستی کاملاً شخصی به نمایش درآورد و تصویری از خودآگاهی یونان معاصر را با صدای اول شخص شخصیتی که در عین حال هم صدای خود شاعر است و هم صدای کشور اوست

ارائه داد. الی تیس را «یونانی‌ترین همه‌ی شاعران یونان» نامیده‌اند. اعتقاد او مبنی بر این‌که «مکانیزم اسطوره‌سازی را حفظ کن، نه پیکره‌ی اسطوره‌ها را» معادل شاعرانه‌ی تعلیمات کنفوسیوس است که می‌گوید «فضیلت و هنر پیشینیان را ستایش کن نه خود پیشینیان را».

کتاب «این شایسته‌ی شماست» را با «سرزمین ویزان» الیوت قابل قیاس دانسته‌اند. این کتاب یکی از پرخواننده‌ترین آثار شعری یونان پس از جنگ جهانی دوم است و چون میکس تئودوراکیس آهنگ‌ساز معروف براساس آن، آهنگ‌هایی ساخته است، به‌ویژه در میان نسل جوان محبوبیت فراوانی کسب کرده است. شعرهای این کتاب آمیزه‌ای از مسایل تاریخی و اسطوره‌ای یونان و حماسه‌های همروهراکلیتوس و ترانه‌های عامیانه و سروده‌های مذهبی و شرح رویدادهای ملی و اجتماعی است.

ادبیات یونان برای جهانیان همیشه با آثار کلاسیک روم و رنسانس ایتالیایی همخوانی داشته است. حال آن‌که جرج سفریس یکی دیگر از شاعران یونانی برنده‌ی جایزه‌ی نوبل در ادبیات گفته است که شاعر امروز یونان ناگزیر است «خردگرایی سنتی را که همیشه بر دنیای غرب سنگینی می‌کرده است» ویران کند و «واقعیت یونان را بدون پیش‌داوری‌هایی که از زمان رنسانس به این سو حاکم بوده است» بنمایاند.

الی تیس در سال‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ به آمریکا و شوروی سفر کرد و پس از کودتای نظامی ۱۹۶۷ بار دیگر به پاریس رفت و دو سالی در آنجا ماند و چهار کتاب شعر و یک مجموعه مقاله نوشت. پس از بازگشت به یونان، دو مجموعه‌ی نقد و یک شعر بلند به نام «ماریای ابر، شعری با دو صدا» انتشار داد.

این شعر آمیزه‌ای از تاریخ، سیاست و فرهنگ است و هرچند اوضاع و احوال دنیای معاصر را با ظرافت و ریزه‌کاری می‌کاود، انباشته از ایماژهای ناب و قطعات عاشقانه با ژرفای فلسفی و زیبایی شناختی است. الی تیس در این شعر عقاید نسل جوان را از زبان دختری که نام او «ماریای ابر» است و این هر دو معنای ضمنی اسطوره‌ای دارند باز می‌گوید. خود او گفته است «در این شعر سعی کرده‌ام از خلال گفتگو با ماریا، از احساس درونی‌انش با خیر شوم. قصد من این بوده است که بگویم ما در اصل در جستجوی آرمان و هدف یکسانی هستیم. هرچند راهمان از هم جداست... ماریای ابر نیمی دیگر من است. در شعر دیگرم «کنسرت سنبل‌ها» هم گفته‌ام که من در آن سوی دیگر، همانی هستم که بودم و اینجا هم آن جنبه‌ی دیگر خودم را به نمایش می‌گذارم».

در سال ۱۹۷۹ «گزیده‌ی آثار از ۱۹۳۵ تا ۱۹۷۷» او منتشر شد و در همین سال «برای شعرهایی که با پس‌زمینه‌ی سنت یونانی و به نیروی احساس و روشن‌بینی عقلانی، مبارزه‌ی انسان امروز را در راه آزادی و آفرینش‌های هنری تصویر می‌کند» به دریافت جایزه نوبل در ادبیات نایل آمد.

در پایانِ خطابه‌ای که به هنگام دریافت جایزه نوبل ایراد کرد گفت: «اما آیا این حرف درست نیست که شعر، شعری که این گونه با هاله‌ای از عناصر جذب شده احاطه شده است، خود باید به خورشید کوچکی مبدل شود؟ یک چنین سازگاری کاملی با محتوای اندیشه، وقتی که با این شیوه به دست آید، به گمان من بالاترین آرمان شاعر است. سنگه داشتن خورشید در دست بی آن که بسوزاند، انتقال آن مثل مشعلی به کسانی که در پی می‌آیند، به گمان من عملی دردناک اما مبارک است. ما به آن نیاز داریم. جزم‌اندیشی‌هایی که انسان را به زنجیر کشیده است در برابر وجدانی غرقه در نور، زایل می‌شود و از آن پس، با ادغام در خورشید به سواحل آرمانی شرف و آزادی انسان دست می‌یابد.»

از جمله آثار پس از دریافت جایزه‌ی نوبل الی تیس، کتاب «دریانورد کوچک» است که در سال ۱۹۸۴ انتشار یافت. در این کتاب او همچنان در پی گمشده‌ای است که خود آن را «بهشت درون» نامیده است.

یکی دیگر از آثار برجسته‌ی او «کاغذهای باز» است که مجموعه‌ی مقاله‌هایی در باب هنر و ادبیات است و در آن‌ها دیدگاه‌های تازه و نظریه‌های بکری در باره‌ی شعر و به ویژه شعر اروپایی قرن بیستم ارائه داده است.

